

چرا در روز جهانی کارگر شعار واکسیناسیون فوری، رایگان و همگانی مهمترین شعار است؟

فریاد درد و رنج مردم از کرونا؛ "فریاد اول ماه می"

[وبلاگ کار در ایران](#)

باز هم "اول ماه می" روز جهانی کارگر از راه می‌رسد و مثل همیشه بنا به یک سنت نانوشته برای فعالان اجتماعی طبقه کارگر و زحمتکشان، دو پرسش همراه مطرح می‌شود: جنبش کارگری در سالی که گذشت چگونه بود و در سال پیش رو چه باید کرد؟ و پس از آن هم بسیاری می‌گویند و می‌نویسند و اقداماتی را برای تحقق آنچه به نظر درست می‌آید انجام می‌دهند و در یک بارم بندی و سنجش، کارهای شده و نشده را به ارزیابی می‌نشینند و برای کرده‌ها و ناکرده‌ها قضاوت‌هایی صورت می‌گیرد و بالاخره کسانی متهم ناکرده‌ها و کسانی هم برکرسی قضا در این ارتباط حکم صادر می‌کنند و با کلیشه‌های رایج، هربخشی از پیشروان جنبش‌های اجتماعی کارگران و زحمتکشان را به قالب‌های ذهنی از پیش تعیین شده می‌رانند و آنچه باز هم مغفول و مجهول می‌ماند؛ "چه باید کرد" است.

اما ویژگی سالی که گذشت! سراسر درد بود و مرگ و اندوه برای مردمی که اسیر بیماری کرونا شدند و بودند و هستند و کارگران و زحمتکشانی که به سال نو، دومین روز جهانی کارگر را در همین شرایط مرگ‌زا از سر می‌گذرانند، وارث همان وضعیت سال گذشته و شاهد تکرار درد و رنج و نابودی اند؛ ویژگی برجسته‌ای که همه روندهای عادی را برهم می‌ریزد و اگر واقع بینی در کار باشد، این سال پردرد و رنج حامل آموزه‌های جدی و کاربردی برای برون شد از دور و تسلسل ذهن گرایانه آندسته از فعالانی است که خواهان برون شد از دایره مجهولات ساخته و پرداخته‌ی جولان‌دهی در حد فاصل‌های جدی بین عین و ذهن هستند. برون شد از آرمانخواهی غیر انضمامی با واقعیت‌های موجود و پیوستن به جریان جاری زندگی برای تغییر درست آن برپایه آموزه‌های علمی، شناخت زندگی اجتماعی با همه جانبه‌نگری را نوید می‌دهد.

با این مقدمه به موضوع اصلی و اساسی ورود پیدا می‌کنم و برای دسته بندی جوانب مختلف موضوع مورد نظر لازم میدانم به ترتیب پرسش‌هایی را طرح کنم:

• شرایط امروز پاندمی کرونا (دنیاگیری کرونا) چه وضعیتی را تداعی می‌کند؟

• ویروس کرونا طی سال گذشته برکدام بستر، زندگی کارگران و زحمتکشان را به کام مرگ گشیده است؟

• چرا روشنفکران طبقه کارگر و سازمان های صنفی و سیاسی آن نسبت به این واقعیت این بیماری و مبارزه با همه ی عوامل پابرجایی آن غیرفعال بوده اند؟

• و اینکه چرا و چگونه مبارزه و پیکار علیه ستم سرمایه داری و نئولیبرالیسم در شرایط کنونی از مجرای مبارزه با پاندومی کرونا عبور می کند؟

شرایط امروز پاندمی کرونا (دنیا گیری کرونا) چه وضعیتی را تداعی می کند؟

کرونا مثل هر پدیده ی غیر قابل پیش بینی در جهان ظاهر شد. آنچه مسلم است این بیماری دنیاگیر از هر منشاء و هر جا می تواند ظهور کند و به دلیل ویژگی خود عالمگیر شود.

فارغ از حاستگاه این ویروس عالمگیر آنچه برای بشریت اهمیت دارد پرداختن به نابودی آن است و این نابودی بیش از همه برای کارگران و زحمتکشان از درجه اهمیت و الویت بالایی برخوردار است. چرا؟ به این دلیل روشن که کارگران و زحمتکشان نه تنها مانند سرمایه داری جهانی و دولت های سرمایه دار در هریک از کشورها با باز تعریف اقتصاد خود از پاندمی با گرایش به وضع موجود، از این بیماری هولناک به شکل های مختلف بهره برداری می کنند _ سودی نخواهند برد؛ بل که بیشترین آسیب را از ادامه حیات و بقای این ویروس دنیاگیر خواهند دید.

خسارت این بیماری در زندگی کارگران و زحمتکشان در جهان، هم برجان آنان وارد آمده و میلیون ها نفر را به کام مرگ کشانده است و هم بر زندگی و روند پیشرفت و ترقی و رفاه آنان تاثیر به شدت منفی گذاشته است.

رفع این بلیه؛ برای نظام های سیاسی سرمایه داری حاکم بر کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران مادام که خود آنان از مصونیت در هر حد و اندازه ای برخوردارند و از شرایط پیش آمده بهره برداری اقتصادی می کنند و پایه های قدرت شان را نیز با توسل به همان شیوه بهره وری که با اقتصاد کرونایی شناخته می شود؛ محکم می کنند قطعا هیچ اقدام موثر و عاجل برای نابودیش بکار نمی بندند.

برای اینکه بتوانم این بلیه طبیعی و نقش آنرا در ستاندن جان و هستی کارگران و زحمتکشان از سویی و تداوم ایستایی و در جازدن پیکار آنان را علیه مناسبات نابرابر ساز در زندگی اجتماعی –

اقتصادی نشان دهم ناگزیر آنرا با یکی از رخداد ها ایران معاصر پس از انقلاب 1357 شمسی قیاس کنم .

چنین اوضاعی در ایران معاصر را می توان با جنگ هشت ساله مقایسه کرد. جنگ هشت ساله ایران و عراق از آن جهت که اثرات به شدت ویرانگر آشکار و کتمان ناپذیری را در زندگی کارگران و زحمتکشان برجای نهاده است و هنوز این اثرات در تعیین سرنوشت کشور و مردم ما به گونه ای عاملیت دارد و می تواند سنجه ای برای مقایسه و نشان دادن میزان اهمیت کرونا در آسیب به جان و مال و هستی و زندگی اجتماعی زحمتکشان باشد؛ نمونه قابل فهمی برای توضیح شرایط کنونی است. چرا؟

برای پاسخ دادن به چرایی درستی این قیاس لازم است که جنگ خانمانسوز را به اختصار ارزیابی کنیم . علت جنگ را تقریباً همه میدانیم و میشود در چند جمله آنرا بازنمایی کنیم :

جنگ امکانی برای شکست یک انقلابی مردمی بود که برای ثبات خود به حفظ و تداوم روحیات انقلابی؛ برای برنامه ریزی و هدف گذاری در کشوری مستقل با تحقق آزادی و عدالت نیاز به زمان داشت .

این سوگیری و اقدام عملی با تکیه به اراده و خواست زحمتکشان باید با همان شور و احساسات و همه امکانات مادی و معنوی اش از طریق جنگ از مسیر اصلی خود منحرف می شد . نتیجه ی این انحراف باید منجر به خستگی و فرسودگی و صرف هزینه های کلان برگشت ناپذیر و ایجاد زمین سوخته می گردید.

جنگ هیچگاه برای مردم زحمتکش پیروزی ببار نمی آورد و تنها بخشی از مردم را که با اهرم قدرت سیاسی و نظامی و بهره گیری از روحیات عمومی برانگیخته شده مناسبات قدرت را رقم می زدند پیروز واقعی میدان بودند

حاصل این جنگ ضمن معاوضه ی مُهر افتخار دفاع از میهنی که می توانست از جنگ عاری و بری باشد و همچنان با افتخار انقلاب خود را پیروزمند به پیش ببرد ؛ جز با خرابی و کشتار و اسارت و جز با بیشمار خانوارهای آسیب دیده از آن چیز دیگری نبود .

جنگ هنجارهای اجتماعی در زندگی مردم را به سوی ناهنجاری ها سوق داد و اراده مردم را به سمت پذیرش ناخواسته ی این ناهنجاری ها هدایت کرد. این ناهنجاری های هدفمند کدام بودند؟ این ها نتایجی بودند که در حین جنگ و پس از خاتمه ی آن ببار آمد.

شمار بسیاری قربانی که نام آن ها آذین بن بست ها ، کوچه ها، میدان ها ، مدارس و دانشگاه ها و مراکز بیمارستانی و ورزشگاه های کشور شد.

تغییر قوانینی که برای تثبیت جایگاه برساخته زمامدارانی که بی هیچ مقاومتی از سوی مردم با نام سازندگی و امثال آن سکان کشتی انقلابی جنگ زده را به سوی تعدیل ساختارها در شاهراه نئولیبرالیسم هدایت کرد.

تغییر قانون اساسی به سود طبقه معین اجتماعی و از طریق آن کاهش هرچه بیشتر نقش جمهور مردم در تصمیمات آینده کشور را رقم زد.

تعویق تصویب قانون کاری که می توانست در شرایط انقلابی، بدون جنگ با اعمال اراده کارگران رقم خورد؛ به مدت یازده سال و تصویب قانونی که مضمون کلی ترین رئوس آن در اساسی ترین فصل هایش جز به زیان کارگران نیست .

حذف هرگونه امتیازات اقتصادی و اجتماعی که وعده به اجرای آنان زمینه ساز حضور بسیاری از توده مردم به شرکت در انقلاب بود نظیر داشتن مسکن، رفاه، تحصیلات رایگان، بهداشت و سلامت _ کالایی کردن همه آن ها برای مردم و در یک کلام به فراموشی سپردن ایجاد کار، تامین نان و آزادی برای زحمتکشانشان . البته این سه تنها برای سرمایه داران و وابستگان آنها تحقق یافت .

قربانی شدن آزادی و سرکوب احزاب و سندیکاها و شوراهای کارگری و به این وسیله خلع ید از مردم برای اعمال اراده آنان در تعیین حق سرنوشت خویش درحین و پس از اتمام جنگ و رواج سیستماتیک سرکوب کارگران دانشجویان و زنان و روشنفکران و نویسندگان و حقوقدانان و بازماندن آنان از دخالت در امر توسعه ی و پیشرفت کشور

معوق ماندن هرگونه مطالبات صنفی و رفاهی برای کارگران درحین جنگ به بهانه الویت های دفاعی ! و پس از جنگ به بهانه بازسازی های خرابی های جنگ.

اعمال خشونت در بالاترین حد آن با تکیه به قوانین و مقررات سخت گیرانه قضایی و سهل گیری نسبت به اقدامان نیروهای خودی آلوده به فساد و اختلاس و برقراری سیستم های حامی پروری در همه نهادهای اجرایی و قوای سه گانه .

با ابزارهای تبلیغاتی درخدمت جنگ همه امکانات دموکراتیکی را که حضور مردم را در نظارت بردستگاه های دولتی (به معنای عام آن) ضمانت می کرد مثل شوراهای شهر و روستا حتی به مرحله ی قانونگذاری هم در نیامد و رابطه ی مردم با دولت به تحمیل مقتضیات دولتی بر مردم تغییر یافت و

با تکیه بر روانشناسی اجتماعی و شعارهای پوپولیسم راستگرایانه با ظاهر چپ، فریبکارانه از جو روانی موجود و حمایت مردمی ابزاری در اختیار به قدرت نشستگان قرار گرفت تا به جای خدمت به انقلاب و برآوردن خواست مردم، وسیله به خدمت گرفتن مردم برای تامین خواسته های هر م قدرت گردد.

در آن زمان با توجه به روحیات حاکم بر مردم حتی اگر نیروی قدرتمندی از احزاب و اتحادیه های کارگری و سازمان های مردم نهاد بسته به شرایط موجود می توانستند قدرت و توانایی ذهنی مردم را بدر درک شرایط و موقعیت با روحیه شورانگیز متأثر از انقلاب با تبلیغات دستگاه های رسانه ای در خدمت دولت برخاسته از انقلاب جایگزین کنند و عمر جنگ تحمیل شده را با تکیه بر شعار صلح؛ کوتاه و صلح را به جای جنگ (به ویژه که در مقطع آزدسازی خرمشهر چنین امکانی عملاً فراهم شده بود) بنشانند بخشی از فرایند طی شده تا کنون؛ رقم نمی خورد.

و در نهایت آنچه از جنگ در تاریخ بشریت ثبت گردید عبارتست از آماری رسمی که از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس! منتشر شد. بر اساس این آمار ۵ میلیون ایرانی در جنگ شرکت داشتند که ۱۹۰ هزار نفر کشته و ۶۷۲ هزار نفر مجروح شدند.

آنچه در این قیاس مد نظر است این که کارگران و زحمتکشان در شرایط جنگ نه تنها نتوانستند خواسته هایی را که از انقلاب انتظار داشتند به دست آورند بل که به واسطه تاثیر پذیری از شعار های ویژه رسانه جنگ و تحریکات ایدئولوژی_ نظامی، نادانسته و ناخواسته در راستایی قدم برداشتند که به تحکیم قدرت سرمایه داری امروزی ایران انجامید و هر آنچه نتیجه ی همبستگی و دستاورد مبارزات گسترده و اعتصابات پیروزمند آنان در پیش از انقلاب بود نیز از دست رفت و امروز کمترین ابزار ممکن را برای اعمال اراده جمعی خود برای بهبود خواهی و تامین شرایط بهتر برای یک زندگی حداقلی را هم از دست داده اند.

اگر چه در ایران امروز مختصات دیگری از نظر اجتماعی و اقتصادی و آگاهی از اوضاع با شفافیت بیشتری برای مردم از حکومت و دایره قدرت که زمانی داعیه دارای انقلاب و طرفداراری مستضعفین؛ وجود دارد و با تجارب زیسته ای از شعارهای و سیاست های پوپولیستی قدرت مسلط روی گردان شده اند و موجد اعتراضات و خیزش های مردمی و اعتراضات دامنه ی گسترده ای گردیده اند، اما به دلایلی هنوز بسیاری از وزارتوی سیاست را درک نکرده اند

از سوی دیگر بنا به نبود آگاهی های ضرور برای این شرایط نیز به خاطر پراکندگی، بی سازمانی، هراس از تکرار شرایط گذشته و جنگ، بی اعتمادی ناشی از فریب بیش از چهاردهه سیاست

بازیهای ارکان قدرت نظامی _ امنیتی و سیاسی موجب نوعی انفعال عمومی همراه با ظرفیت و استعداد طغیان های عصیانی محصول شرایط سخت عسرت است که مجموعه ای این شرایط و ذهنیت عمومی در بیشترین خود موافق سیاست های دستگاه قدرت نیست . اما نظام کنونی ایران هنوز از این شرایط برای انحراف افکار عمومی به شیوه های گوناگون بهره برداری می کند. حتی از توسل به شرایطی که کرونا پدید آورده است و این بهره برداری را امروز در نوع برخورد دستگاه دولتی با بیماری کشنده ی کرونا شاهد هستیم .

ویروس کرونا طی سال گذشته پرکدام بستر، زندگی کارگران و زحمتکشان را به کام مرگ کشیده است ؟

اگرچه نمی توانیم استفاده از شرایط کرونایی را به مانند زمان جنگ ، به منظور تغییر مسیر یک انقلاب ارزیابی کنیم اما درست از نقطه ی مقابل آن یعنی از مسیر کاهش و کنترل اعتراضات مردمی علیه وضع موجود و سیاست هایی که موجب انواع بحران های فراگیر شده در کشور است و همچنین کاهش و کنترل اعتراضاتی که به ادامه شیوه حکمرانی آمرانه و سرکوبگرانه ای که مانع از دخالت مردم در تعیین حق سرنوشت آنها و در نفی نظارت های مردم برای شفافیت این شیوه حکمرانی است ؛ قابل ارزیابی است.

نگاهی به شرایط پیشا کرونایی و بازبینی روندی که طی شده است می تواند نمایش تصویر کلی بر این مدعا باشد که سیاست های نئولیبرالی از مقطع زمانی مشخصی از تدارک به اجرای قطعی و همه جانبه درآمده است .

اگر تفسیریه اصل 44 قانون اساسی را برای اجرای خصوصی سازی در سال 1384 و اتصال حلقه ارتباط اقتصادی با بازار آزاد را با تصویب و اجرای آزادسازی قیمت ها در سال 88 توسط مجلس و اجرای آن به فرمان احمدی نژاد رییس جمهور وقت در آذر ماه 1389 زیر پوشش و نام فریبکارانه هدفمندی یارانه ها مورد توجه قرار دهیم و همچنین برخورد وسیع قهر آمیز با معترضین به نتایج انتخابات 1388 و در سالهای بعد مشخصا خیزش دی ماه 1396 و آبان 1398 را نیز از نقطه نظر سیاسی معیاری برای رویگردانی توده های از فرودستان تا کارگران و زحمتکشان و جمعیت بیشتری از لایه های میانی و متوسط شهری را در این اعتراضات به درستی ارزیابی کنیم ؛ قطعاً این رویگردانی برای نظام سیاسی ایران بسیار گران تمام خواهد شد .

بحران همه جانبه همراه با ناکارآمدی های مدیریتی جامعه و فساد سیستماتیک و ضعف بنیان های پولی و مالی در راس آنها بانک مرکزی و سایر بانک ها ناشی از افسار گسیختگی سرمایه داری

نئولیبرال در همه عرصه ها؛ فعالیت بورژوازی در ایران از مستغلات تا تجارت و سیستم دلالی وابسته به آن و سرمایه ملیتاریستی، پولی و مالی، و سر آخر بورژوازی صنعتی - کشاورزی و خدماتی - همه و همه برپایه رانت و امتیازوری و انواع سلب مالکیت ها به مانند خصوصی سازی منابع عمومی؛ منجر به فروپاشی اعتماد همگانی به ادامه سیاست های اقتصادی دولت گردید. و بدنبال آن تاثیر گذاری مستمر آزاد سازی قیمت ها بر نرخ حامل های انرژی مکمل نارضایی های انباشته شد و موجب بروز اعتراضات عمومی گردید، چندان که این رویگردانی و اعتراض به وضع موجود بیش از صد شهر کشور را فراگرفت.

ورود کرونا به ایران و همزمانی آن با دو رخداد متفاوت همراه شد. رخداد اول ترور یکی از کلیدی ترین رهبران نظامی به دست امریکایی ها و اتفاقاتی که پس از آن روی داد و رخداد دوم نیز موضوع انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. در هر دو این رخداد ها یک موضوع مشترک بیش از پیش خودنمایی کرد و آن سلب اعتماد عمومی ناشی از شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی و تبعات ناشی از پنهان کاری های پس از آن بود و دیگری عدم اقبال انتخابات مجلس که به جرات ضعیف ترین نتایج انتخابی ایران در آن رقم خورد و این دو عامل به توهم اقتدار و مشروعیت در جمهوری اسلامی پایان داد و آنچه باقی ماند هراس همراه با سرکوب بود و گسترش بیماری که طی این مدت از طریق ناوگان مسافربری از چین به ایران وارد شد و زیر پوست این دو رخداد، آنچه به سرعت از مردم بی دفاع جان می ستاند ویروس کرونا و شیوع گسترده آن بود که می توانست با یک قرنطینه در موقعیت اولیه ی خود در یک شهر (شهرقم) مهار شود.

دولت می توانست وجود کرونا را به فرصتی برای بازسازی روابط دولت - ملت قرار دهد ولی کلیت ساختار و رفتار های ناشی از آن و همچنین فساد سیستماتیک و ناکارآمدی ها آنچنان چنبره ای بر ذهن برنامه ریزان و رهبران نظام سیاسی ایران زد، به جنگ قدرت شدت بخشید و به عدم مشروعیت قطعی نزد مردم مهر تایید زد و تنها از کرونا در طی یک ساله اخیر برای خرید وقت و اصلاح روابط با جهان سرمایه داری از چین گرفته تا ایالات متحده دلخوش شده اند و این مسیر را بی اعتنا به مردم پیش برده اند.

نتیجه ای که از عملکرد تا کنونی دولت می توان دریافت این است که کرونا نیز مانند جنگ نعمتی بود تا در پشت آن سنگربندی شود و طبیعی است هرچه اپیدمی کرونا در کشور تشدید شود و در مقابل سیاست های ایمن سازی کشور از اثرات شیوع این پاندومی؛ چه آگاهانه و چه از سر ناتوانی و ناآگاهی؛ در برابر آن اتخاذ نشود و از گسترش دامنه ی آن جلوگیری به عمل نیاید؛ همانند جنگ

هزینه های جانی و مالی و همچنین تاثیرات روانی ناشی از فرسودگی و خستگی مردم را نیز موجب می‌گردد.

نتیجه اینکه همچنان سیاست های مبتنی بر "از این ستون تا آن ستون فرجی است" در دستور کار دولت قرار گیرد و با ادامه‌ی روش های دوگانه‌ی سخت و آسان گیری های متناوب در اجرای پروتکل ها (و به قول عوام سیاست های شل کن، سفت کن) و بی توجهی به واکنش‌های مردم به هنگام و حداکثر با فوریت قابل اجرا و رایگان؛ اپیدمی کرونا را غیر قابل مهار و کنترل سازد و از طرفی رسانه های وابسته نقش فریب کارانه‌ی مقصر جلوه دادن مردم را برای توجیه بی مسولیتی دولت به طور فزاینده ای نشر می دهند که گویا عامل اصلی کنترل نشدن بیماری مردم هستند.

دولت از یک سو هراسان از پتانسیل اعتراضی بین مردم تلاش دارد از طریق مانور بین سخت و آسان گیری و توسل به شیوه‌ی ایمنی گله ای امکان نارضایی از تعطیل کسب و کار های خرد را کاهش دهد و از سویی از صرف هزینه های لازم و ضروری برای خرید واکسن خودداری می‌کند و با شیوه های اتکا به بازار آزاد، خرید واکسن را به بخش خصوصی وا می‌گذارد و در این زمینه هم از استیصال مردم سو استفاده کرده و به حامی پروری خود و گسترش اقتصاد دلالی و فاسد به حوزه اقتصاد کرونایی را سرایت می‌دهد و آن را نیز رونق می‌بخشد.

سویه دیگر پیشبرد سیاست های ضد کارگری و حمایت از واگذاری بخش خصوصی در این گیر و دار بیماری است. دولت سیاست خصوصی سازی را در بهترین فضای اهدایی کرونا به پیش می‌برد. بازار بورس را به راه می‌اندازد و ضمن جذب نقدینگی بسیار از طریق مالیات بر خریداران و فروشندگان در بازار سهام و تامین درآمدی برای تامین کسر بودجه اما عملاً آن بخش هایی از منابعی که بطور قانونی در مدیریت دولت است را به بورس هدایت می‌کند و به این ترتیب بخشی از خصوصی سازی را نیز با حربه بورس و خرید و فروش سهام به جریان می‌اندازد و این درست در هنگامه‌ی درگیری مردم با بیماری کروناست

• چرا روشنفکران طبقه کارگر و سازمان های صنفی و سیاسی آن نسبت به این واقعیت این بیماری و مبارزه با همه‌ی عوامل پابرجایی آن غیرفعال بوده اند؟

از خطاهای فاحش در تحلیل گری بخشی از روشنفکری طبقه کارگر حذف واقعیت هایی از شرایط مشخص و موجود و جداسازی اراده گرایانه آن واقعیات از کل شرایط موجود و ندیدن تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر است. گویا بلایای طبیعی چون سیل، زلزله و شیوع بیماری های واگیردار در تعیین و تشدید تضاد های آشتی ناپذیر بین کار و سرمایه و یا کاهش تضاد های آشتی پذیر بین اردوی گسترده

زحمتکشان و ایجاد همبستگی میان آن‌ها نقشی ندارد؛ گویا تنها مباحث مربوط به اقتصاد سیاسی در نزد آنها در مدار تولید ارزش و انباشت نمی‌تواند از رخدادهای طبیعی تاثیر پذیرد. گویا این تصور که سرمایه در تولید و برنامه ریزی خط ثابت و تغییر ناپذیری را طراحی می‌کند و موضوع عرضه و تقاضا هیچ تبعیتی از زندگی هر دم تحول‌یابنده بشریت در روی کره زمین و تاثیر پذیری از رویداد های طبیعی ندارد و گویا قرار است هزاران کمپانی و کارتل و تراست نیز بی توجه به این شرایط وضعیت عادی و معمولی را بانبروی کار و کارگران خود ادامه می‌دهند.

و گویا تنها قوانین عام سرمایه هیچ تاثیری از وقایع و رخدادهای طبیعی نمی‌پذیرد و صورت‌بندی های اجتماعی _ اقتصادی جدای از بروز و ظهور حوادث و رخداد های طبیعی کار خودش را می‌کند.

در حالیکه حیات هر دم متحول شونده بشریت را صورت‌بندیهای اقتصادی و اجتماعی معین نمی‌کنند بل که این صورت‌بندی‌ها در شرایطی خود محصول بخشی از اتفاقاتی است که می‌تواند کاملاً از دل طبیعت بر حیات بشری تحمیل شود و البته این روند تاثیر گذاری طبیعت بر زیست انسانی نیز می‌تواند از تاثیر متقابل چگونگی همزیستی انسان و طبیعت باشد که این هم تاکید می‌کند که باید این تاثیر گذاری متقابل را نیز در تحلیل مشخص از شرایط مشخص به حساب آورد.

از قضا در چنین شرایطی سرمایه به پیروی از قوانین عام خود بر بستر شرایط پیش آمده تمام کوشش های خود را برای تطبیق باوضع پیش آمده و امکان بهره برداری از آن به کار می‌گیرد . از تحمیل خواسته های خود به کارگران و محدودسازی مقاومت آن‌ها، کاهش مزد و تصویب مزدهایی که کفاف زندگی کارگران را نمی‌دهد و کاهش تعهداتی که در شرایط عادی ناچار از اجرای آنان بوده است، افزایش سطح بهره‌وری با شدت استثمار به مدد نیاز کارگران به درآمد بیشتر برای مقابله با هزینه های ناشی از بیماری، تغییرات در خطوط تولید متناسب با نیاز جامعه‌ی درگیر با بیماری، سود بردن از شرایط موجود برای کسب اعتبارات پولی و ارزی از بانک‌ها با حمایت دولتی در افزایش سرمایه‌های ثابت و نقدینگی . اینها و بسیاری ترفند های بیشتر که در چنین شرایطی کاربرد دارد .

غرض از طرح این موضوع آنست که یادآور شویم که نمی‌شود در باره جنبش کارگری سخن گفت و از پدیده‌های تاثیر گذار بر روی آن اعم از اینکه این پدیده‌ها طبیعی باشند یا مصنوع و ساخته‌ی دست انسان، جنگ و درگیریهای نظامی باشد یا سیل و زلزله و پاندمی کرونا سخنی به میان نیاید .

اگر "اول ماه می" اهمیت جهانی یافته است نه تنها در موضوع مبارزه جانانه ای در زمان معینی با بخشی از سرمایه داری موجد این اهمیت شده است بل که به دلیل آنست که این روز با تاثیرات خود، اردوی جهانی کار را به سویی رهنمون شده تا هر پدیده ای در دنیای سرمایه داری در دستگاه فکری روشنفکران طبقه‌ی کارگر به موضوع 8 ساعت کار خلاصه نگردد.

به معنای کلی تر آن، روز "اول ماه می" تنها روزی برای پیروزی های صنفی نیست بلکه روزی است که خواسته های انسان کارگر را پژوهاک می دهد و اگر این درست است که طبقه ی کارگر برای رهایی بشریت می رزمند و پیشاهنگ این رزم است پس قطعاً رهایی بشریت را تنها از جور ستم طبقاتی و استثمار محدود نمیداند؛ بل که خواهان رهایی از هرگونه ستم است. این نه به معنای رهایی در تحلیل نهایی و استراتژیک که قطعاً رهایی از هر موضوعی که بشریت را به اسارت می‌خواهد و چه بسا این رهایی نیازمند مبارزه سنگین و جانکاه با پاندمی کرونا باشد که بورژوازی جهانی نیز حتی اگر قدرت مبارزه با آن را داشته باشد؛ از آنجا که در گیر سود و انباشت است، قادر به مبارزه جدی و بنیان کن با این بیماری نیست و این جاست که طبقه ی کارگر جهانی با منفعت طلبی و تردید طبقاتی و محافظه کارانه‌ی سرمایه‌ی جهانی؛ در نهایت مسوولیت پذیری، شرافتمندانه و در عین حال با تکیه به روحیات آرمانی رهایی بخش دست به پیکار میزند. این پیکار در روز جهانی کارگر "اول ماه می"، یازدهم اردیبهشت شایسته است که جلوه ای نمادین داشته باشد.

اهمیت ندادن به این پیکار لازم و ضروری علیه بیماری کرونا و دولت های غیر مسوول که با بی توجهی عامل باز دارنده در اجرای واکسیناسیون سراسری، فوری و رایگان هستند؛ بهترین و مطلوب ترین خواست بورژوازی را در جهان و به سود نظام های سیاسی حاکم بر کشورها است. برای آنکه اهمیت این پیکار را به درستی دریابیم کفایت نگاهی به آمار قربانیان کرونا در سراسر عالم داشته باشیم.

و اینکه چرا و چگونه مبارزه و پیکار علیه ستم سرمایه داری و نئولیبرالیسم در شرایط کنونی از مجرای مبارزه با پاندمی کرونا عبور می کند؟

از شیوع کرونا تا دی ماه 1399 آمار مبتلایان به کرونا 93603141 نفر که از این تعداد 2004041 نفر قربانی شده اند و اگر فرض گیریم که این آمار بطور تقریبی نزدیک به واقعیت باشد. پس می توان افزایش تعداد قربانیان را طی چهارماه پس از این گزارش تا حداقل 25% تاکنون برآورد کرد. همین افزایش را بنا به داده های سازمان بین المللی کار در کورد بیکاری ناشی از کرونا می توان دریافت

پیش‌بینی کرد که در نیمه دوم سال جاری میلادی و تحت (ILO) سازمان بین‌المللی (جهانی) کار. تاثیر رکود حاصل از شیوع ویروس کرونا، ۱۹۵ میلیون کارگر تمام وقت در جهان بیکار شوند.

مطابق گزارش روز سه‌شنبه این سازمان، ۶.۷ درصد از ساعت کار موجود در سراسر جهان طی ۶ ماهه دوم سال ۲۰۲۰ از میان خواهد رفت که رخداد می‌تواند معادل بیکاری ۵ میلیون کارگر تمام وقت در کشورهای عربی، ۱۲ میلیون نیروی کار تمام وقت در اروپا و ۱۲۵ میلیون شاغل تمام وقت در آسیا و اقیانوسیه باشد.

سازمان بین‌المللی کار تبعات رکود اقتصادی ناشی از همه‌گیر شدن ویروس کرونا را بیش از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸-۹ ارزیابی و برآورد کرده که طبقه متوسط جهان، معادل ۱۰۰ میلیون نیروی کار. ماهر، بیشترین آسیب را از بیکاری گسترده در جهان متحمل شوند.

این گزارش می‌افزاید که نیروی کار شاغل در بخش مسکن و هتلداری، رستوران‌داری، خرده‌فروشی، تولید و فعالیت‌های اداری و تجاری بیش از سایر بخش‌ها در معرض بیکاری قرار خواهند داشت و تنها در آمریکا ۴۳.۲ درصد نیروی کار فعال در این بخش‌های پرخطر شاغل هستند. این نرخ در اروپا و آسیای مرکزی ۴۲.۱ درصد و در سطح جهانی ۳۷.۵ درصد است. نگارش از یورونیوز فارسی • به روز شده در: ۰۸/۰۴/۲۰۲۰

طی گزارش دیگری از سازمان بین‌المللی کار بیکاران در پایان سال میلادی، آمار بیکاران ناشی از کرونا 60 میلیون بیشتر از پیش‌بینی 195 میلیون بیکار، اشتغال از بین رفته است بنا به گزارش یورونیوز فارسی سازمان بین‌المللی کار اعلام کرد که محدودیت‌های اعمال شده توسط دولت‌ها برای مبارزه با شیوع ویروس کرونا موجب از میان رفتن ۸.۸ درصد از ساعت‌های کار در سراسر جهان شده که معادل ۲۵۵ میلیون شغل تمام وقت است.

همچنین در این گزارش به نقل از گای رایدر، مدیر سازمان بین‌المللی کار گفته شده است که: "مطابق اطلاعات کسب شده توسط سازمان بین‌المللی کار، زنان و جوانان بیشترین آسیب را از محل بیکاری ناشی از شیوع ویروس کرونا متحمل شده‌اند و در صورت بی‌توجهی دولت‌ها به تبعات شیوع این بیماری در بازار کار، نگرانی از به وجود آمدن «یک نسل از دست رفته» که در میان مدت فرصت پیدا کردن شغل را پیدا نخواهند کرد، کاملاً جدی است." نگارش از یورونیوز فارسی • به روز شده در: ۲۶/۰۱/۲۰۲۱

بر اثر پیامدهای کرونا ۲ میلیون نفر در ایران بیکار شدند: خبرگزاری فارس شنبه ۲۸ تیر به نقل از جواد حسینزاده رئیس مرکز آمار در فصل بهار امسال و در پی شیوع کرونا در ایران، میزان اشتغال نزدیک به ۳ درصد کاهش یافت. در سه ماهه نخست سال جاری حدود ۲ میلیون نفر از بازار کار ایران خارج شده‌اند.

آخرین آمار قربانیان کرونا در روز اوج گیری شدید کووید ۱۹ در کشور، در ۲۲ فروردین ۱۴۰۰: فوت ۲۵۸ نفر در گزارش شده است. سخنگوی وزارت بهداشت ضمن اعلام شناسایی ۲۱ هزار و ۶۳ بیمار جدید کووید ۱۹ در کشور طی ۲۴ ساعت گذشته، در عین حال از جان باختن ۲۵۸ تن به دلیل این بیماری در شبانه روز گذشته خبر داد.

بر اساس آمار وزارت بهداشت تاکنون ۳۲ هزار و ۳۲۰ نفر بیمار مبتلا به کرونا جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی است که به گفته مسعود مردانی، عضو ستاد مقابله با کرونا، «آمار واقعی» کشته‌شدگان کرونا در ایران، دو و نیم برابر آمار دولتی است. تعدادی از نهادهای داخلی و خارجی نیز آمار دولتی ایران را نزدیک به واقعیت نمی‌دانند.

علیرغم موج فراینده شیوع بیماری کرونا هنوز هم آمار دقیقی از تاثیر این بیماری در کاهش اشتغال ها و افزایش بیکاری ناشی از آن وجود ندارد. علت نبود داده های درست و دقیق در این مورد و همچنین سایر موارد متاثر از کرونا در ایران به دو دلیل مشخص است :

اول اینکه به دلیل فقدان تشکل های کارگری مستقل و کارآمد هیچ یک از تاثیرات ویروس کرونا قابل ارزیابی نیست .

دوم اینکه خود دولت و مسوولان ذیربط نیز تمایلی برای ارائه آمار در این باره ندارند و حتی در صورت تمایل دولت و نهاد های مسوول از آنجا که ساز و کار استخدامی در واحدهای کار و تولید غیر قابل کنترل و ارزیابی است و آمار مشاغل به دلیل قراردادهای موقت و ثبت نشده قابل ردیابی نیست و از سوی دیگر برخی کارگران بنا به موقتی بودن و کوتاهی زمان قراردادهایشان از بیمه ی بیکاری هم بهره ای نمی‌برند در نتیجه دستیابی به آمار واقعی بیکاری ناشی از کرونا ممکن نیست.

با این همه عدم شفافیت در باره قربانیان کرونا ، و با استناد بر همین آمار دولتی قابل توجه است که کرونا ظرف مدت حدود 15 ماه برابر قریب یک ششم کشته شدگان جنگ هشت ساله ی ایران و عراق از مردم ایران قربانی گرفته است

نئولیبرالیسم در ایران و جهان از منطق سود به موضوع واکسیناسیون می نگرد. طبق قوانین رقابتی سازمان تجارت جهانی شرکت های دارویی حق دارند دست کم تا ۲۰ سال فرمول محصولات خود را مخفی نگاه دارند. این رقابت در مورد تولید واکسن هم وجود دارد. میلیارد ها دلار سود از بابت رقابت در دوران مرگبار پاندمی ویروس کرونا به جیب کمپانی های داروسازی می رود به همین خاطر هنوز هیچ اراده جدی از سوی جهان برای ریشه کن کردن بیماری کرونا از طریق واکسیناسیون ددبیده نشده است. بخشی از این بی ارادگی محصول آست که مطالبات جدی گسترده در قالب کمپین های اعتراضی آشکار در کشورهای جهان علیه بی توجهی دولت های کشورهای سرمایه داری بیان نشده است. متأسفانه اعتراض به محدودیت هایی که برخی دولت ها علیه کرونا اعلام می کنند بیش از گردهمایی ها به سود واکسیناسیون فوری و رایگان است

یکی از تجمعاتی که بنا به گزارش یورونیوز در تاریخ 03/02/2021 به سود واکسیناسیون برپا شد از سوی حزب کمونیست فرانسه در مقابل شرکت فایزر در پاریس بود که طی آن از سوی این حزب درخواست شد: **فرمول واکسن کرونا را به همه جهان بدهید!** این بخشی از سخنان فابین روسل، دبیرکل حزب کمونیست و سناتور فرانسوی است. وی به همراه تعدادی از مقامات بلندپایه حزب کمونیست فرانسه، چهارشنبه در مقابل مقر شرکت فایزر در پاریس تجمع کردند. او درخواست کرد: **"برای نجات بشریت از شر ویروس مرگبار کرونا فرمول واکسن کووید ۱۹ را در اختیار تمام شرکت های داروسازی جهان بگذارید"**

او تاکید کرد که باید « هرچه سریعتر » فرمول واکسن کرونا بصورت عمومی در اختیار دولت ها و شرکت های داروسازی جهان قرار بگیرد، قرار نیست در زمانی که جهان با بحران یک همه گیری بی سابقه دست به گریبان است و نزدیک به دو میلیون و پانصد نفر جانانشان را از دست داده اند، شرکت های دارویی تنها به منافع و سودآوری خود بیندیشند.

به این ترتیب کاملاً روشن است که سیاست های سرمایه جهانی در قبال این پاندمی مرگبار هم چنان به دفع وقت و بهره برداری آزمندانه و ضد بشری از آن ادامه خواهد یافت. و مقابله با این سیاست کاری است که هیچ گونه تردید و درنگ و توجیهی را نمی پذیرد. کارگران و نیروهایی که داعیه دفاع از حقوق بشریت را دارند، باید با مخاطب قرار دادن مجامع بین المللی و سازمان بهداشت جهانی مسوولیت آنها را در این مورد یادآور شوند، باید با اعتراضات وسیع و فزاینده به دولت ها در مورد بی توجهی آنها به امر واکسیناسیون فوری و رایگان هشدار دهند و هر گونه اهمال از سوی آنان را با شعار استیضاح پاسخ دهند.

امروز مبارزه علیه تهدید بشریت از راه گرایشات منفعت طلبانه سرمایه داری نئولیبرال از پاندومی و ویروس کرونا ضرورتی درنگ ناپذیر است . پیش و بیش از هر چیز باید توده های مردم و افکار عمومی را نسبت به وظایف دولت ها برای تامین سلامت و حفظ جان ها و جلوگیری هرچه فوری از قربانی شدن کارگران و زحمتکشان بیشتر در پای این بیماری مرگزا آگاه کرد.

مردم باید بدانند دولت ها مسوول حفظ جان و زندگی آنان در قبال هر گونه آسیب ناشی از بلایای طبیعی هستند . " اول ماه می "می تواند میدانی با گستردگی جهان برای مبارزه علیه پاندومی کرونا و به سود واکسیناسیون فوری و رایگان گردد و در این میان شایسته است کارگران آگاه ایران سهم و دین خود را به خانواده، جامعه و مردم ادا کنند .

[وبلاگ کار در ایران](#)